استاد حججی 16/10/92 میراث فقه 4

محاسبه میراث در صورتی که فریضه از سهام کمتر باشد که انشاء الله در این جلسه به بحث و بررسی از آن خواهیم پرد

و در صورتی که فریضه کمتر از سهام باشد، یعنی فریضه که منقسم به شش قسمت بیش نمی‌شود کمتر از سهام ورثه شد، بنابر مذهب عامه که قائل به عول هستند در صورت نقصان نقص باید بر جمیع ورثه حتی زوج و زوجه توزیع و تقسیم شود که جوری بر احدی از ورثه وارد نیاید، و بنابر مذهب خاصه عول باطل است به اجماع اهل البیت و تضافر اخبار معصومین علیهم السلام، نقص در فرض مذکور بر دختر و خواهر پدری و مادری یا خواهر پدری وارد، زیرا «من له الغنم فله الغرم» و این نقص در صورتی وارد می‌شود که زوج یا زوجه با ورثه اجتماع نمایند.

مثال اول: در صورتی که زوج یا زوجه بر یک دختر یا زیادتر که از مرتبه اولی محسوب می‌شوند داخل شد، زوج یا زوجه سهم اوفای خود را کاملاّ می‌برند و نقص بر دختر وارد می‌آید، مثل آن که در قضیه زوج و پدر و مادر و یک دختر اگر جمع شود، اصل فریضه از دوازده است که حاصل ضرب ستّه که مخرج سدس است که سهم هر یک از پدر و مادر است در وفق اربعه مخرج ربع که فریضه زوج است یا به عکس، اربعه مخرج نصیب زوج را در ثلاثه جزء وفق ستّه مخرج نصیب احد ابوین ضرب شود، بر هر دو تقدیر حاصل ضرب می‌شود دوازده، چهار سهم از جمله دوازده سهم نصیب پدر و مادر است هر یک، دو سهم، و سه سهم از دوازده، حصه زوج است، و بقیه پنج سهم قسمت یک دختر است، در این جا نقص بر دختر وارد آمد یک سهم از او کم شده، زیرا فریضه او نصف است که شش سهم از دوازده سهم باشد.

مثال دوم:‌اگر زوج و ابوان و بنتان در موردی جمع شدند، فریضه ایضاً دوازده است همچنان که در مساله سابق گذشت، سه سهم از دوازده سهم حق زوج، و چهار از آن حصّه ابوین هر یک دو سهم بدون کسر، و پنج سهم حصّة دو دختر بر آنها منکسر می‌شود، بین نصیب و عدد دو دختر تباین است، عدد منکسر علیه را در اصل فریضه ضرب می‌نمائیم حاصل ضرب می‌شود بیست و چهار، شش سهم حصّة زوج، هشت بهره حقّ ابوین هر یک چهار بهره، ده سهم قسمت دو دختر هر یک پنج سهم

مثال سوم: در صورتی که زوج و یکی از پدر و مادر و دو دختر مجتمع شوند، باز فریضه می‌شود دوازده که حاصل ضرب وفق اربعه در ستّه یا بالعکس می‌باشد، سه سهم از آن حقّ زوج و دو سهم حصّه احد ابوین، و هفت سهم قسمت دو دختر بر آنها منکسر می‌شود، بین عدد و نصیب تباین است عدد را ضرب در اصل فریضه می‌نمائیم می‌شود بیست و چهار، شش سهم حق زوج، چهار سهم حق احد ابوین، چهارده سهم، سهم دو دختر صحیحاً بر آنها قسمت می‌شود هر دختری هفت

مثال چهارم: در جائی که پدر و مادر و دو دختر و یک زوجه جمع شود، فریضة آن بیست و چهار است، زیرا ستّه که مخرج سدس نصیب هر یک از ابوین با ثمانیه مخرج ثمن نصیب زوجه در نصف توافق دارند، وفق یکی از آن دو را در دیگری که ضرب کنیم بیست و چهار می‌شود، سه سهم از آن حقّ زوجه و هشت سهم حق پدر و مادر، و سیزده سهم نصیب دو دختر بر آنها منکسر می‌شود و بین سهم که نصیب است و دو دختر تباین است، عدد دو دختر را در اصل فریضه ضرب می‌نمائیم می‌شود چهل و هشت سهم، شش سهم حق زوجه و شانزده سهم حصّه پدر و مادر هر یک هشت سهم، و بیست و شش سهم حق دو دختر هر یک سیزده سهم

مثال پنجم: در صورتی که زوج یا زوجه با اهل مرتبة دوم از مراتب ارث جمع شوند که اخوة ابی و امی یا اخوة ابی و اخوة امی مثلاً باشند، در صورتی که زوج و دو خواهر پدری و مادری و دو برادر مادری باشند فریضه ستّه است، زیرا اثنین مخرج نصف نصیب زوج را در ثلاثه سهم اخوة امی که ضرب کنیم می‌شود ستّه، سه سهم از آن حق زوج است بدون کسر، دو سهم حق دو برادر مادری است هر یک، یک سهم بدون کسر، یک سهم از سته حقّ دو خواهر ابی و امی است بر آنها منکسر می‌شود بین عدد آنها و نصیب تباین است، عدد دو خواهر پدری و مادری که منکسر علیهما هستند در اصل فریضه ضرب می‌نمائیم می‌شود دوازده، شش سهم حقّ زوج، چهار سهم حقّ دو برادر مادری هر یک دو سهم، و دو سهم هم سهم دو خواهر پدری و مادری یا پدری است هر یک، یک سهم، که صحیحاً بیرون می‌آید. در این مسئله کسر بر دو خواهر پدری و مادری یا پدری وارد آمده، زیرا سهم دو خواهر پدری دو ثلث از اصل ترکه می‌شود که اربعه باشد، به واسطة دخول زوج سه سهم از حصه آن‌ها ناقص شده است

مثال ششم: در صورتی که در مساله سابقه عوض دو خواهر پدری یک خواهر پدری باشد، باز فریضه کما سبق ستّه است، سه سهم حقّ زوج، دو سهم حصّه دو خواهر مادری هر یک، یک سهم، و یک سهم حصه خواهر پدری است، این جا دو سهم به واسطة دخول زوج بر خواهر پدری نقصان وارد آمده است.

مثال هفتم: در صورتی که دو خواهر مادری و دو خواهر پدری و مادری یا پدری با زوجه جمع شدند، فریضه دوازده است حاصل ضرب ثلاثه مخرج ثلث نصیب اخوة امی در اربعه مخرج ربع نصیب زوجه، چون ثلاثه و اربعه متباین‌اند، سه سهم از دوازده نصیب زوجه، و چهار سهم از دوازده حصه دو برادر مادری، و پنج سهم از آن حقّ دو خواهر پدری و مادری یا پدری است، بین نصیب و عدد دو خواهر پدری تباین است و نصیب بر آنها منکسر می‌شود، عدد دو خواهر پدری در اصل فریضه ضرب می‌نمائیم می‌شود بیست و چهار سهم، ربع آن که شش سهم باشد حقّ زوجه و هشت سهم ثلث آن حصّه دو برادر مادری هر یک چهار سهم، و ده سهم بقیّه حصه دو خواهر ابی هر یک پنج سهم، در اینجا به واسطه دخول زوجه شش سهم از فریضه دو خواهر ابی ناقص شده است.

صور انقسام فریضه بر سهام: این هم از دو حال خارج نیست یا فریضه بر صاحبان سهام صحیحاً و بدون کسر قسمت می‌شود یا صحیحاً و بدون کسر قسمت نمی‌شود

1. انقسام بدون کسر: در این صورت مسئله واضح است با مراجعه به مسائلی که قبلاً مذکور شد، مثل آن که زوج و ابوین و یک دختر در یک مورد مجتمع شوند، ستّه مخرج سدس نصیب احد ابوین در اثنین جزء وفق اربعه مخرج ربع نصیب زوج که متوافق‌انند ضرب نمائیم، حاصل ضرب می‌شود دوازده، سه سهم از آن حق زوج است که ربع آن باشد و چهار سهم از آن حصه ابوین که دو سدس آن باشد، هر یک، دو سهم، و پنج سهم حق یک دختر است، در این جا بر صاحبان سهام صحیحاً و بدون کسر قسمت شده و یک سهم از حصه دختر که شش سهم نصف فریضه بوده به واسطة دخول زوج ناقص شده، و همچنین اگر به جای یک دختر در همین مسئله پنج دختر باشند باز فریضه دوازده، سه سهم حقّ زوج، چهار سهم حق پدر و مادر، و پنج سهم حق پنج دختر است، هر یک، یک سهم صحیحاً و بدون کسر قسمت می‌شود

2. انقسام با کسر: در صورت دوم که فریضه بر سهام صحیحاً و بدون کسر قسمت نمی‌شود، عدد منکسر علیه را در اصل فریضه ضرب می‌نمائیم، در صورتی که بین عدد و نصیب وفقی نباشد و عدد منکسر علیه یک فرقه باشد، مثل مثال‌هائی که بعد از مسالة اجتماع زوج و ابوین و یک دختر در مورد نقصان فریضه از سهام ذکر شد

مثلاً اگر پدر و مادر و زوج و سه دختر جمع شدند، فریضه دوازده است، چهار سهم حق پدر و مادر، هر یک، دو سهم، و سه سهم حق زوج، و پنج سهم حق سه دختر بر آنها منکسر می‌شود، و بین عدد و نصیب تباین است، عدد دخترها که سه است ضرب در اصل فریضه می‌نمائیم می‌شود سی و شش، نُه سهم حقّ زوج و دوازده سهم حقّ پدر و مادر هر یک شش سهم، و پونزده سهم حقّ سه دختر هر یک پنج سهم، به واسطه دخول زوج نُه سهم از سه دختر کسر شده است.

و اگر پدر و مادر و زوج و ده دختر در یک مورد اجتماع نمایند، فریضه دوازده است، چهار سهم حق پدر و مادر هر یک دو سهم، و سه سهم که ربع آن است نصیب زوج است، و پنج سهم حقّ ده دختر است، عدد بنات و نصیب آن‌ها در خمس با هم توافق دارند که باید در این جا وفق عدد را در اصل فریضه می‌نمائیم می‌شود بیست و چهار، شش سهم حق زوج، و هشت سهم بهرة ابوین هر یک چهار سهم، و ده سهم حق ده دختر است.

و اگر در همین فرض عدد بنات پانزده تا شدند با نصیب آنها که پنج است در خمس توافق دارند پس عدد بنات را بر می‌گردانیم به ثلاثه، زیرا سه پنج‌تا پانزده می‌شود و عدد سه که وفق پانزده است در اصل فریضه ضرب می‌نمائیم می‌شود سی و شش، نُه سهم از آن حقّ زوج و دوازده سهم از آن حق پدر و مادر هر یک شش سهم، و پانزده سهم حقّ پانزده دختر است، هر یک، یک سهم می‌شود

زیادت فریضه بر سهام

قسمت سوم که فریضه زیادتر از سهام وراث باشد، عامه در این فرض قائل به تعصیب شد‌ه‌اند، به این معنی که آنچه از ترکه از سهام ذوی الفروض زیاد شد حقّ نزدیکان پدری میّت است نباید بر صاحبان فروض ردّ شود و اصحاب ما قائل به عدم تعصیب و بطلان آن به عموم آیة «واولو الارحام بعضهم اولی ببعض» و به اجماع اهل بیت علیهم‌السلام و اخبار متواتره عنهم علیهم السلام و اتفاق اصحاب است بر این که با بودن اقرب غیر اقرب ارث نمی‌برد الا ما خرج بالنص، و به این که زیادتی باید ردّ شود بر یک دختر یا زیادتر و بر یک خواهر پدری و مادری یا پدری در صورت نبودن خواهر پدر و مادری یا خواهرهای پدری و مادری یا پدری کذلک، و بر مادر در صورتی که حاجبی از اخوه برای او نباشد، و بر کلالة امّی در صورتی که کلالة ابی و امی یا ابی بنابر اشهر نباشند، و بر زوج در موردی که وارثی در بین نباشد

مثال جائی که فریضه زائد بر سهام است مثل آنکه پدر و مادر و یک دختر وارث باشند، نصف ترکه که سه سهم از شش سهم باشد حقّ دختر است، و دو سهم از شش سهم حق ابوین است، هر یک، یک سهم، یک سهم از ترکه زیاد می‌شود، در این جا اگر حاجبی برای مادر نباشد باید ترکه اخماساً قسمت شود سه قسمت حقّ دختر و پدر و مادر، هر یک، یک قسمت زائداً ردّ می‌شود بر پدر و مادر و دختر، و در صورتی که اخوة ابی حاجب مادر شوند ترکه ارباعاً قسمت می‌شود، یعنی زائد بر پدر و دختر ردّ می‌شود، به این ترتیب در صورت عدم حاجب خمسه که مخرج سهام است در ستّه اصل فریضه ضرب می‌شود سی سهم، دوازده سهم از آن حق پدر و مادر است هر یک شش سهم، هر یک، یک سهم رداً و پنج سهم فرضاً می‌برند، و هجده سهم دیگر حقّ دختر است پانزده سهم فرضاً و سه سهم رداً، و اگر حاجبی برای مادر باشد ترکه ارباعاً باید قسمت شود به این ترتیب که اربعه مخرج سهام را در اصل فریضه ضرب می‌نمائیم می‌شود بیست و چهار، چون اخوة ابی در این فرض حاجب مادرند فقط چهار سهم از بیست و چهار سهم حق مادر است بالفرض، و بیست سهم دیگر ارباعاً بین پدر و دختر پانزده سهم حق دختر است و پنج سهم حصّه پدر است، دختر دوازده بالفرض و سه سهم بالقرابه و پدر چهار سهم فرضاً و یک سهم قرابةً‌ برده است.

و اگر یکی از پدر و مادر و دو دختر جمع شدند، از برای احد ابوین یک سدس است فرضاً، و دو ثلث از فریضه حصّه دو دختر است فرضاً و زیادتی روی احد ابوین و دو دختر اخماساً قسمت شود، دو دختر هر یک دو سهم، و یک سهم هم نصیب پدر است. زیرا ستّه مخرج سدس است نصیب احد ابوین است و ثلاثه مخرج ثلثین نصیب دو دختر، نسبت بین دو مخرج تداخل است، به اکثر که ستّه است اکتفا می نمائیم، شش یک آن حقّ احد ابوین و دو ثلث آن که اربعه باشد حقّ دو دختر است، و یک سهم بقیه بر دخترها و احد ابوین هر کدام به فراخور حصه ردّ می‌شود، و بیان کردیم که به پنج سهم بین آنها قسمت می‌شود چهار خمس حق دو دختر و یک خمس حق احد ابوین، پس باید ردّ بر آنها هم اخماساً باشد به نسبت‌ حصه‌های آنها که پنج بود، پس فریضه منکسر شده بر آنها در خمسه مخرج خمس، خمسه را در اصل فریضه که ستّه است ضرب می‌نمائیم می‌شود سی سهم، شش سهم از برای احد ابوین فرضاً و رداً همچنان که ذکر شد، و بیست و چهار سهم حقّ دو دختر هر یک دوازده سهم فرضاً و رداً.

مناسخات

مناسخات جمع مناسخه است بر وزن مفاعله از نسخ گرفته شده، و نسخ به معنی نقل و تحویل هم می‌آید مثل آن که می‌گوئی نسخت الکتاب یعنی منتقل کردم نسخه این کتاب را به نسخه دیگری که عبارت اخرای استنساخ است، و به معنی ابطال هم می‌آید مثل آن که می‌گوئیم نسخت الشمس الظل یعنی باطل کرد آفتاب سایه را. این مسائل نامیده شده به مناسخات زیرا در اثر موت وارث که تعبیر به میّت ثانی می‌شود از عددی به عدد دیگری انتقال پیدا می‌کند توارث، و همچنین تصحیح مسائل ارث در این باب از حالی به حالی انتقال می‌یابد، و همچنین عدد تمامی ورثه منتقل می‌شود به واسطة مردن یکی از ورثه از مقداری به سوی مقداری، و وجه مناسبت با معنی دوم که ابطال است فرض کننده مسئله قسمت اولی را باطل می‌نماید و غرض او به غیر آن قسمت به واسطة موت ثانی تعلق می‌گیرد، گرچه قسمت ثانیه با قسمت اولی توافق پیدا کند

و مقصود از مناسخات در اینجا این است که شخصی فوت کند و قبل از آنی که ترکه او بر ورثه قسمت شود یکی از ورثة آن میت بمیرد و غرض و مقصود تعلق بگیرد به قسمت هر دو فریضه از اصل واحد، پس طریق قسمت ترکه در همچین جائی این است: مسئله ترکة میت اولی را تصحیح نموده به نحوی که تولید کسری در تقسیم ننماید و قرار داده شود از برای میت دومی نصیبی از آن ترکه به نحوی که اگر بر ورثه قسمت شود کسری لازم نیاید.

صور مناسخات

1. اتحاد وراث دو میّت و جهت استحقاق: در این صورت اگر وراث میّت اولی و ورثه میّت دومی و استحقاق آنها متحد باشد آن وقت حکم دو فریضه حکم یک فریضه پیدا می‌کند و احتیاج به عمل دیگری سوای عمل اول برای تقسیم ترکه بر ورثه پیدا نمی‌کند. مقصود از اتحاد وارث این است که وارث میت دومی همان وارث میت اولی است، و منظور از اتحاد و استحقاق کون جهت و بودن جهتی که موجب استحاق میراث از آن جهت می‌شود یکی باشد، مثل جهت فرزندی یا برادری یا زوجیت و امثال اینها، مثل آنکه شخصی فوت کند و وارث او چهار برادر و دو خواهر تماماً یا پدری و مادری و یا مادری تنها هستند، و پیش از قسمت ترکه دو برادر و یک خواهر از آنها بمیرد و وارثی غیر از دو برادر و خواهری که باقی مانده ندارند، عین ترکه بین دو برادر و یک خواهر به پنج قسمت منقسم می‌شود اگر پدری باشند، و اگر مادری باشند بالسویه بین آنها قسمت می‌شود، و در این فرض مثل این است که دو برادر و خواهری که فوت کرده‌اند اصلاً نبوده‌اند، زیرا که وجود و عدم آنها در این فرض تاثیری در تقسیم ترکه بین دو برادر و خواهری که باقی مانده‌اند ندارد، مثل این است که میّت اولی وارثی سوای اینهائی که باقی مانده‌اند نداشته، برای تقسیم به یک عمل بیش احتیاج پیدا نمی‌کند.

2. . اختلاف وراث دو میت و اتحاد جهت استحقاق: اگر جهت استحقاق یکی است ولی وارث میت اولی و دومی مختلف است، مثل آنکه مردی وفات نماید و وارث او منحصر به دو پسر باشد و پیش از قسمت ترکه یکی از آن دو پسر بمیرد و یک پسر داشته باشد، در این فرض راجع به ترکة میت اولی و دومی جهت استحقاق که فرزندی است یکی است ولی وارث مختلف است، زیرا در فریضه میت اولی فرزند ملحوظ و ذی سهم است، و در فریضه دوم فرزند فرزند است.

3. اتحاد وراث دو میت و اختلاف جهت استحقاق: در این صورت وارث متحد است و جهت استحقاق مختلف، مثل آن که مردی بمیرد و سه فرزند بیش وارث نداشته باشد پس یکی از آن سه برادر فوت کند قبل از قسمت و وارثی سوای آن دو برادر نداشته باشد، در این مسئله جهت استحقاق مختلف است زیرا در فریضه اولیه از راه فرزندی این دو برادر ارث می‌برند ولی نسبت به فریضه دومی از طریق برادری وارث‌اند، ولی در هر دو حال وارث یکی است که دو برادر باشد

4. اختلاف وراث دو میت و اختلاف جهت استحقاق: در این صورت جهت استحقاق و وارث هر دو مختلف‌اند، مثل آن که شخصی فوت نماید و وارث او منحصر باشد به یک زن و یک پسر و یک دختر، پس از آن قبل از قسمت آن زوجه فوت کند و وارث او دو فرزندش که همان پسر و دختر است باشد، در این مسئله جهت استحقاق مختلف زیرا در فریضة اولی از جهت زوجیت استحقاق داشته و در فریضة دومی از باب فرزندی، و وارث هم مختلف زیرا وارث در فریضة اولی زن و فرزندان او است و در فریضة دوم اولاد است

تقسیم ارث در فروض مناسخات